



<https://ssoss.ui.ac.ir/?lang=en>

Strategic Research on Social Problems

E-ISSN: 3041-8623

Vol. 12, Issue 4, No.43, Winter 2024, pp. 101-122

Received: 20.01.2024 Accepted: 08.04.2024

Research Paper

Sociological Explanation of the Relationship between Cultural Intelligence and Social Tolerance among Baloch People

Samad Beheshti* 

Assistant professor, Department of Social Sciences, Yasouj University, Yasouj, Iran
sbeheshti@yu.ac.ir

Moslem Naraghimanesh

Ph.D. Candidate, Department of Sociology, Shiraz University, Shiraz, Iran
naraghi.moslem@yahoo.com

Saadat Naraghimanesh

Master of Private Law, Islamic Azad University of Qeshm, Qeshm, Iran
naraghi.s.402@gmail.com

Introduction

In recent years, the concept of cultural intelligence has emerged as a significant framework for understanding the skills and abilities necessary for successful interactions in a globalized world. Ang and Early (2003) define cultural intelligence as an individual's capacity to effectively engage with individuals from different cultural backgrounds. Similarly, Rose and Naresh (2008) describe it as the ability to adapt to unfamiliar cultural environments. Research demonstrates that immigrants often encounter challenges when adapting to new cultural surroundings, leading to issues, such as cultural conflicts and shock. This difficulty in adaptation can result in personal stress and hinder social integration. While some individuals effortlessly adjust their behaviors to fit new cultural contexts, others face obstacles that give rise to clashes and tensions, underscoring the significance of social tolerance. Tolerance plays a crucial role in addressing prejudices, fundamentalism, and conflicts, particularly in regions like Iran characterized by diverse cultural and ethnic backgrounds. Baloch people as an indigenous Iranian ethnicity residing in the southeastern part of Iran present an interesting case. Their religious differences from the majority of Iranians, as well as their proximity to Pakistan and increased interactions with that country, prompted the authors of this research to examine the extent to which cultural intelligence, as an individual's ability to adapt to other cultures, could influence the social tolerance of this population.

Materials & Methods

The present study employed a quantitative survey methodology to collect data. The target population consisted of individuals aged 15 years and above residing in the Baloch regions of Sistan and Baluchistan Province, which had a total population of 961,929 according to the 2015 census. To determine the sample size, Morgan's sampling table was utilized, resulting in a sample size of 384 individuals with a 5% margin of error. However, to ensure accuracy, 400 questionnaires were distributed. The research utilized a multi-stage cluster sampling technique. The data collection instrument consisted of a questionnaire divided into two

sections. The first section focused on social tolerance and drew items from previous studies (Beheshti and Rostgar, 2012; Beheshti et al., 2018). The second section addressed cultural intelligence and employed Lin's standard cultural intelligence questionnaire. All items in the questionnaire were rated on a Likert scale with 5 response options. The construct validity of the questionnaire was assessed through the Average Variance of Extracted (AVE) and factor loadings, while the reliability of the questionnaire was evaluated using Cronbach's alpha coefficient.

Discussion of Results & Conclusion

*Corresponding author

Beheshti, S., Naraghimanesh, M., & Naraghimanesh, S. (2024). Sociological explanation of the relationship between cultural intelligence and social tolerance among baloch people. *Strategic Research on Social Problems*, 12(4), 101-122.



2645-7539 / © University of Isfahan

This is an open access article under the CC BY-NC-ND/4.0/ License (<https://creativecommons.org/licenses/by-nc-nd/4.0/>).



<https://doi.org/10.22108/srsp.2024.140473.1968>

The findings of this study revealed that social tolerance levels within the statistical sample were lower than the average spectrum, while cultural intelligence and its four dimensions demonstrated higher average responses compared to the spectrum. This difference was confirmed by the significant results of the T-test. Furthermore, the average social tolerance was lower than the spectrum average, a trend observed not only in the sample, but also in the broader statistical population with a high level of confidence. The t-test results for the two independent groups indicated that there was no significant disparity between men and women in terms of social tolerance, suggesting that the average cultural intelligence between genders was not significantly different.

The research focused on social tolerance as the dependent variable, which was measured using a reflective measurement model. The SRMR index of 0.086 indicated that the assumed model aligned well with the research data. The F square coefficient (F2) of 0.348 represented the average effect size

of the model. The beta value indicated that a one-unit change in the standard deviation of cultural intelligence resulted in a 0.509 change in that of social tolerance, indicating a positive relationship. The adjusted coefficient (R² adjusted) was calculated at 0.257, suggesting that 25.7% of the variance in social tolerance could be attributed to cultural intelligence. Overall, the study demonstrated that higher cultural intelligence was associated with increased social tolerance towards diverse groups and issues. The results underscored the importance of enhancing cultural intelligence to address social problems arising from intolerance and lack of understanding, ultimately fostering greater unity among individuals.


Keywords: Cultural Intelligence, Tolerance, Social Tolerance, Baloch People, Balochistan



پژوهش‌های راهبردی مسائل اجتماعی
سال دوازدهم، شماره پیاپی (۴۳)، شماره چهارم، زمستان ۱۴۰۲، ص ۱۰۱-۱۲۲
تاریخ دریافت: ۱۴۰۲/۱۰/۳۰ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۳/۰۱/۲۰

مقاله پژوهشی

تبیین جامعه‌شناختی رابطه هوش فرهنگی و مدارای اجتماعی بین قوم بلوچ

سید صمد بهشتی* ، استادیار، گروه علوم اجتماعی، دانشکده علوم انسانی، دانشگاه یاسوج، یاسوج، ایران

sbeheshty@yu.ac.ir

مسلم نراقی منش، دانشجوی دکتری جامعه‌شناسی، بخش جامعه‌شناسی، دانشکده اقتصاد، مدیریت و علوم اجتماعی، دانشگاه شیراز،

شیراز، ایران

naraghi.moslem@yahoo.com

سعادت نراقی منش، کارشناس ارشد حقوق خصوصی، گروه حقوق، دانشگاه قشم، قشم، ایران

naraghi.s.402@gmail.com

چکیده

پژوهش حاضر، رابطه میان هوش فرهنگی و مدارای اجتماعی را بررسی کرده است. این تحقیق به روش کمی و به شیوه پیمایشی انجام شده است. جامعه آماری این پژوهش، تمام شهروندان بالای ۱۵ سال قوم بلوچ در استان سیستان و بلوچستان است که به شیوه نمونه‌گیری خوشه‌ای چند مرحله‌ای، ۴۰۰ نفر از آنان انتخاب و پرسش‌نامه بین آنان توزیع شد. برای جمع‌آوری داده‌ها از پرسش‌نامه استاندارد هوش فرهنگی ارلی و انگ^۱ (۲۰۰۳) و برای مدارای اجتماعی، از پرسش‌نامه‌ای استفاده شد که قبلاً در تحقیقات بهشتی و رستگار (۱۳۹۱) و بهشتی و همکاران (۱۳۹۸) از آن استفاده شده بود. برای تحلیل داده‌های تحقیق از نرم‌افزار SPSS و نیز مدل‌سازی معادلات ساختاری واریانس محور با نرم‌افزار Smart PLS استفاده شده است. یافته‌های این تحقیق نشان داد سطح هوش فرهنگی جامعه آماری بالاتر از سطح متوسط، ولی مدارای اجتماعی پایین‌تر از سطح متوسط است. میزان مدارای اجتماعی و هوش فرهنگی بین زنان و مردان تفاوتی ندارد. هوش فرهنگی اثری استاندارد به شدت ۰.۵۰۹ بر مدارای اجتماعی دارد و حدوداً ۲۶ درصد از واریانس متغیر مدارای اجتماعی را تبیین می‌کند. در واقع کسانی که بیشتر امکان انطباق با دیگر فرهنگ‌ها را دارند و مایل به پذیرفتن دیگران با ویژگی‌های متفاوت‌اند، بهتر با دیگران سازگاری دارند و در تعاملات خود جانب مدارا را رعایت می‌کنند.

واژه‌های کلیدی: هوش فرهنگی، مدارا، مدارای اجتماعی، قوم بلوچ، بلوچستان.

* نویسنده مسؤول

بهشتی، سید ص.؛ نراقی منش، م. و نراقی منش، س. (۱۴۰۳). تبیین جامعه‌شناختی رابطه هوش فرهنگی و مدارای اجتماعی بین قوم بلوچ. پژوهش‌های راهبردی مسائل اجتماعی،

۱۲(۴)، ۱۰۱-۱۲۲.



3041-8623/ © University of Isfahan

This is an open access article under the CC BY-NC-ND/4.0/ License (<https://creativecommons.org/licenses/by-nc-nd/4.0/>).

¹ Earley and Ang



<https://doi.org/10.22108/srsp.2024.140473.1968>

مقدمه و بیان مسئله

تعاملات بین فرهنگی براساس همگرایی عواملی مانند جهانی شدن، دسترسی رو به رشد به جامعه جهانی، منابع جهانی و افزایش تحرک نیروی کار، از جمله مهاجرت به‌طور چشمگیری افزایش یافته است. این نیروها ایجاب می‌کنند که افراد و جوامع در مقیاسی که قبلاً غیرممکن بود، تعامل بین فرهنگی داشته باشند. ممکن است داشتن قابلیت‌های سازگاری با محیط‌های فرهنگی مختلف، برای افراد و همچنین سازمان‌های بین‌المللی ضروری باشد.

در دهه گذشته، مفهوم هوش فرهنگی^۱ یک چارچوب مرجع مفهومی مهم برای شناسایی قابلیت‌های بین فرهنگی و مهارت عملی برای ترویج معاملات و روابط مؤثرتر در یک محیط جهانی بوده است. در حالی که ممکن است درک تفاوت‌های فرهنگی به خودی خود یک هدف باشد، اما امکان دارد نتایج مثبت دیگری را نیز ترویج کند (Petra Lorenz et al., 2016: 1). اصطلاح هوش فرهنگی در قرن بیست و یکم شکل گرفت که جهان در حال تجربه جهانی شدن و پیوستگی بی‌سابقه‌ای بود که از پیشرفت در فناوری‌های ارتباطات و حمل‌ونقل نشئت می‌گرفت. همچنین در زمانی تصور شد که در آن برخوردهای ایدئولوژیک و درگیری فرهنگی در رویدادهای غم‌انگیز ۱۱ سپتامبر ۲۰۰۱، به اوج خود رسید. ویزل^۲، برنده جایزه نوبل، «نفرت فرهنگی» را - نفرتی که از نظر فرهنگی نسبت به افراد مختلف معطوف می‌شود - منبع اصلی مشکلات بین مردم در همه زمان‌ها معرفی کرد. لس آنجلس تایمز تخمین می‌زند که بیش از پنجاه نقطه داغ در جهان وجود دارد که هر روز درگیری‌های فرهنگی در آن رخ می‌دهد. در میان وعده‌ها و خطرات جهانی شدن، هوش فرهنگی به یک قابلیت ضروری برای افراد تبدیل می‌شود و نه تنها برای استفاده از مزایای تنوع فرهنگی، برای مدیریت تضادهای ناشی از آن نیز به کار می‌رود (Ang et al., 2019: 820).

بسیاری از بررسی‌ها نشان می‌دهد که مهاجران در چگونگی عملکرد در محیط‌های جدید، با مشکل روبه‌رویند و دلیل عمده آن این است که آنها قابلیت سازگاری با وضعیت فرهنگی جدید را ندارند و نمی‌دانند چگونه باید با شرایط و محیط جدید تعامل داشته باشند. همین امر، آنها را دچار مشکلاتی می‌کند که در جامعه‌شناختی از آن با عنوان‌های مختلفی از جمله «شوک فرهنگی» یاد می‌شود. شوک فرهنگی عبارت است از وضعیت اضطراب‌آور و گیج‌کننده‌ای که سبب بی‌اعتمادی فرد هنگام کارکردن در محیط جدید می‌شود. در این حالت افراد میهمان در وضعیت فرهنگی جدید، با نگرانی‌ها و سردرگمی‌هایی روبه‌رو می‌شوند که این احساسات، انطباق اجتماعی و عملکرد مطلوب آنها را کاهش می‌دهد و سبب ایجاد استرس‌ها و شخصی و ناامیدی آنها می‌شود. برخی از افراد، به راحتی و به‌طور مؤثر دیدگاه‌ها و رفتارهای خود را از نظر فرهنگی تطبیق می‌دهند و بعضی دیگر توانایی انطباق فرهنگی را ندارند و گاهی به برخورد و تنش فرهنگی منجر می‌شوند؛ اینجاست که مقوله مدارای اجتماعی اهمیت پیدا می‌کند. به تعبیر فلچرا^۳، مدارا عملی است که به مردم اجازه می‌دهد عقاید یا ویژگی‌های دیگران را دوست نداشته و یا حتی از آنها متنفر باشند، اما به جنگ آزاردهنده علیه آنها اقدام نکنند (بهشتی و همکاران، ۱۳۹۸: ۸۸).

امروزه مدارا اهمیت بسیار اساسی در زندگی انسان‌ها دارد؛ زیرا بسیاری از تعصبات، بنیادگرایی‌ها، ترورها و نزاع‌ها به نبود مدارا بین مردم مربوط است. توجه به این موضوع در ایران اهمیت فراوانی دارد؛ زیرا در این کشور تنوع قومی، فرهنگی و مذهبی و اختلاف منافع زیادی وجود دارد و تضارب این منابع هویتی و منافع، اجتناب‌ناپذیر است. همچنین پتانسیل این را دارد که اسباب ناامنی شهروندان را فراهم کند (بهشتی و همکاران، ۱۳۹۸: ۸۸).

حضور قومیت‌های مختلف نظیر فارس، آذری، لر، کرد، بلوچ، عرب، ترکمن در کنار هم، نشان‌دهنده تنوع فرهنگی و

¹ Cultural Intelligence

² Elie Wiesel

³ Fletcher



می‌کند که با توجه به فرهنگ متفاوت مردم محلی و بومی منطقه، گاهی تضادهایی را با فرهنگ گردشگران به وجود آورده است؛ از جمله قطع تک‌درخت نخل ساحل روستای درک به دست افراد منطقه^۱، درگیری‌های مذهبی و... و در نهایت به دلیل داشتن فرهنگ و مذهب متفاوت (اهل تسنن) و تعصبات مذهبی، نوع پوشش سنتی و هم‌مرزی با دو کشور پاکستان و افغانستان، این منطقه را به یکی از مناطقی محسوب کرده است که گاهی باعث ایجاد نزاع‌های مذهبی و قومی و قبیله‌ای شده است و اکنون نیاز به مدارای اجتماعی را در بین مردم منطقه و به ویژه مردم منطقه با غیربومی‌ها می‌طلبد. در واقع با توجه به سطح مهاجرپذیری منطقه بلوچستان و تنوع فرهنگی و مذهبی موجود در آن، لزوم توجه به مقوله مدارای اجتماعی خودنمایی می‌کند؛ از این رو انگیزه و هدف این پژوهش، پاسخگویی به این سؤال است که هوش فرهنگی مردم، چه تأثیری بر سطح مدارای اجتماعی آنان دارد.

پیشینه تجربی تحقیق

نیازی و همکاران (۱۴۰۰) فراتحلیل مطالعات رابطه سرمایه اجتماعی و مدارای اجتماعی را در ایران، در سال‌های ۱۳۹۸-۱۳۸۸ انجام دادند. نتایج بیانگر ناهمگونی مطالعات انجام شده است. از سوی دیگر، میانگین اندازه اثر سرمایه اجتماعی (آثار ترکیبی تصادفی) بر مدارای اجتماعی در مطالعات پژوهش شده معادل ۰/۲۰۵ است که در سطح کم، متمایل به متوسط قرار می‌گیرد.

بنی‌اسدی و همکاران (۱۴۰۰) پژوهش شناسایی و تدوین مدل ترکیبی عوامل اجتماعی مؤثر بر مدارای اجتماعی

قومی کشور ایران است و به همین دلیل این کشور را جامعه چندقومی می‌خوانند. هرچند موضوع اقوام و تنوع آن در ادبیات قومی، فرهنگی، اجتماعی و سیاسی ایران، موضوع جدیدی نیست، برخی تحولات و جریان‌های اجتماعی که در سال‌های اخیر به وقوع پیوسته است، به‌نحوی باعث ارتباطات گسترده و جریان‌های اجتماعی و تعامل هرچه بیشتر اقوام شده و این موضوع را برجسته‌تر از قبل کرده است؛ برای مثال در گذشته‌های نه‌چندان دور، اقوام مختلف دارای سرزمین و ناحیه مشخصی بوده‌اند، اما با شروع و روند نوسازی در ایران، تشدید آن تحت تأثیر رسانه‌ها و نیز موج مهاجرتی که در کشور آغاز شد، افراد و گروه‌های زیادی به دلایل متعدد اقتصادی و اجتماعی از شهرهای کوچک و حاشیه‌ای به شهرهای بزرگ مهاجرت کردند و تفکیک‌هایی به نسبت قوی میان اقوام کم‌رنگ‌تر شد؛ در نتیجه امروزه شاهد حضور اقوام و گروه‌های مختلف قومی و تعامل ایشان در شهرهای بزرگ کشوریم (بهشتی و رستگار، ۱۳۹۱: ۸).

این موضوع به‌وضوح در منطقه بلوچستان مشخص است. قوم بلوچ با اینکه سال‌ها به سبب دوری از مرکز، ارتباطات گسترده‌ای با بیرون از جغرافیای خود نداشته و عملاً در حاشیه باقی مانده‌اند، اما چند سالی است که از یک طرف به‌واسطه گسترش راه‌های ارتباطی و شبکه‌های اجتماعی و از طرف دیگر به دلیل گسترش سواحل مکران و بندر چابهار، که تنها بندر اقیانوسی کشور است، سالانه مهاجران زیادی را از اقصی نقاط کشور به خود جذب می‌کنند، طوری که با تعدد اقوام در منطقه بلوچستان مواجهیم؛ برای مثال جدای از قوم بلوچ، از قومیت‌های مختلفی از جمله سیستانی، لر، فارس و... نام برده می‌شود که علاوه بر تفاوت‌های قومیتی با قوم بلوچ، تفاوت‌های مذهبی نیز دارند. همچنین به سبب داشتن جاذبه‌های گردشگری از جمله سواحل اقیانوسی کنارک و چابهار، گل‌افشان کنارک، ساحل روستای درک، آب فشان، دریاچه صورتی، وجود نخلستان‌های فراوان در ایرانشهر و نیکشهر، سالانه به ویژه در فصل‌های پاییز و زمستان و ایام عید نوروز، گردشگرانی را از تمام نقاط ایران در خود جذب

^۱ به گزارش ایسنا، تک‌درخت نخل ساحل روستای درک چند سالی است که بین گردشگران شناخته شده بود و گردشگران زیادی را به این منطقه جذب می‌کرد که خود چالش‌هایی از جمله زیر پا گذاشتن هنجارها و آداب و رسوم مردم محلی را در پی داشته است که شبانه عده‌ای ناشناس در آستانه سفرهای نوروزی ۱۴۰۰ آن را بریده‌اند. از تک‌درخت ساحل درک با عنوان «نماد زیست ساحل کویری» یاد شده است (حسنلو، ۱۴۰۰).

شد. در میان ابعاد مدارا، بیشترین میانگین به مدارای هویتی اختصاص داشت، همچنین یافته‌های تبیین نشان داد که شکل‌های سرمایه (اقتصادی، فرهنگی، و اجتماعی) با مدارای اجتماعی در ابعاد چهارگانه آن رابطه مستقیم دارد. با شدت یافتن جهت‌گیری قومی و دینی پاسخگویان، مدارای اجتماعی کاهش یافت.

بهشتی و رستگار (۱۳۹۱)، پژوهش «تبیین جامعه‌شناختی مدارای اجتماعی و ابعاد آن در بین اقوام ایرانی» را به روش پیمایشی در شهر اصفهان انجام دادند و به این نتیجه رسیدند که متغیر قومیت، جامعه‌پذیری قومی، قوم‌مداری و سرمایه فرهنگی بر مدارای اجتماعی افراد تأثیرگذارند. آنها همچنین به این نتیجه دست یافتند که میزان مدارای اجتماعی میان اقوام ایرانی، کمی از سطح میانگین بالاتر است.

وانگ و همکاران^۱ (۲۰۲۱) در یک مطالعه مقطعی در بین دانشجویان مراقبت‌های بهداشتی، این موضوع را بررسی کردند که دانشگاه‌ها چقدر هوش فرهنگی را توسعه می‌دهند؟ این تحقیق با روش پیمایشی در بین ۲۷۱ دانشجوی مقطع کارشناسی دانشکده بهداشت در یک از دانشگاه‌های استرالیا بوده است. یافته‌ها نشان داد یادگیری فرهنگی بر هوش فرهنگی و چهار مؤلفه آن (فراشناخت، شناخت، انگیزه و رفتار) تحت کنترل عوامل روانی اجتماعی مرتبط تأثیر می‌گذارد. یادگیری فرهنگی، به‌ویژه تجربیات تحصیل در خارج از کشور، نقش بسزایی در رشد هوش فرهنگی دانشجویان مراقبت‌های بهداشتی دارد.

نوریه و همکاران^۲ (۲۰۲۰) ۱۵۸ نشریه را به‌صورت نظام‌مند و هوش فرهنگی، ذهنیت جهانی و شایستگی‌های بین فرهنگی را بررسی کرده‌اند. در این تحقیق از تجزیه و تحلیل اسناد برای برجسته‌کردن تأثیرگذارترین مجلات، انتشارات و محققان خاص در این زمینه (از نظر اسناد) استفاده شده است. با کدگذاری محتوا بر گروه‌های استنادی مشترک، پنج جریان تحقیقاتی شناسایی شد که همپوشانی بین ساختارهای هوش

تماشاگران لیگ برتر فوتبال ایران را به روش ترکیبی انجام دادند. پس از ترکیب نتایج بخش کیفی و کمی پژوهش، مدل ترکیبی مدارای اجتماعی تماشاگران ارائه شد که پیامدهایی همچون تعامل همدلانه و بهزیستی تماشاگران فوتبال را به‌دنبال خواهد داشت.

افرا (۱۴۰۰)، مدارای اجتماعی را در جامعه فردگرا انجام داده و تأثیر فردگرایی را بر مدارای اجتماعی جوانان در شهر بجنورد به روش پیمایشی مطالعه کرده است. یافته‌ها نشان می‌دهد بین فردگرایی اخلاقی و مدارای اجتماعی، فردگرایی افراطی و مدارای اجتماعی و همچنین بین فردگرایی اخلاقی / فردگرایی افراطی و ابعاد سه‌گانه مدارای اجتماعی (مدارای سیاسی، هویتی و رفتاری)، رابطه معنادار و مستقیمی وجود دارد.

زندنی دره‌غریبی و همکاران (۱۴۰۰) در پژوهشی، عوامل اجتماعی مؤثر بر مدارای اجتماعی را بررسی کرده‌اند. این پژوهش به روش پیمایشی، در بین گروه‌های قومی ساکن اهواز انجام شده است. یافته‌های تحقیق نشان داد بین متغیرهای قومیت و تنوع قومی با متغیر مدارای اجتماعی، رابطه معناداری وجود ندارد؛ اما بین متغیرهای حقوق شهروندی (۰/۱۳۸) و مشارکت سیاسی (۰/۳۶۰) با متغیر مدارای اجتماعی، رابطه معنادار و مستقیم و بین متغیر همگرایی گروهی (۰/۲۰۵-) و متغیر مدارای اجتماعی، رابطه معنادار و معکوسی وجود دارد.

بهشتی و همکاران (۱۳۹۸)، جامعه‌شناختی رابطه هوش فرهنگی و مدارای اجتماعی را بین شهروندان شهر یاسوج بررسی کرده‌اند. این تحقیق به روش پیمایشی در شهر یاسوج انجام شده است. نتایج نشان داد میزان تأثیر هوش فرهنگی بر مدارای اجتماعی ۰/۳۴ است و هوش فرهنگی ۱۲ درصد واریانس متغیر مدارای اجتماعی را تبیین می‌کند.

قادرزاده و نصرالهی (۱۳۹۸) در پژوهشی، مدارای اجتماعی را در جوامع چند فرهنگی: مطالعه پیمایشی اقوام شهر میاندوآب، بررسی کرده‌اند. بر مبنای یافته‌های توصیفی، مدارای اجتماعی در بین پاسخگویان در سطح متوسط ارزیابی

¹ Wang et al.

² Nooria et al.

مذهبی تفاوت‌های چشمگیری با جامعه دارد. قوم بلوچ به سبب قرارگرفتن در مرز پاکستان و همچنین اینکه بیشتر آنها از مذهب سنی‌اند، گاهی در آن منطقه درگیری‌های مذهبی رخ می‌دهد، بنابراین این پژوهش به صورت علمی، هوش فرهنگی و میزان مدارای اجتماعی مردم آن منطقه را سنجیده است.

چارچوب نظری

در چارچوب نظری این پژوهش، از نظریه ارلی و انگ (2003) درباره هوش فرهنگی و دیدگاه‌های وگت³ (2002)، موتز⁴ (2002) و ویلکینسون⁵ (1996) درباره مدارای اجتماعی استفاده شده است.

تعاریف متعددی از مدارا وجود دارد که عبارت‌اند از: مدارا، ذاتاً پدیده‌ای اجتماعی-فرهنگی است که شامل دانش و برآورد ارزش‌های «دیگری» و «دیگری» و همچنین فعالیت‌های عملی مبتنی بر آنهاست. آرتسی باشف⁶ (2008) متخصص مسائل تساهل، به چنین رویکردی تمایل دارد که از نظر او با درک تحمل انتقادی مشخص می‌شود. به گفته استپانووا⁷ (2008)، مدارا یک «نگرش مثبت در آگاهی عمومی است که فعالیت سازنده رابطه بین فرهنگ‌های مختلف را تعیین می‌کند».

متفکران در ادعای مدارای خود، از مفهوم وحدت در تنوع استفاده کردند. کوزانسکی⁸ (2006) با ثبت این پدیده، احترام متقابل و مدارا را تنها وسیله بقای مشترک مردم دید. در همین راستا، لاک⁹ (1988) مدارا را معیار اصلی امنیت و منافع عمومی دید و بر آن تأکید کرد. همچنین ولتر¹⁰ انصراف از خشونت را اعلام کرد و تکیه بر وحدت کلی دیدگاه‌ها را مظهر جنون خواند (Prepotenska et al., 2022: 294).

فرهنگی، ذهنیت جهانی و شایستگی فرهنگی را نشان می‌دهند و همچنین جدایی‌ها را در تحقیق بر سازه‌ها آشکار می‌کنند. برای شناسایی روندها و موضوعات نوظهور، تجزیه و تحلیل‌های پشت سر هم انجام و با تکیه بر این، فرصت‌های تحقیقاتی آینده نیز ترسیم شده است.

کاپوتو¹ و همکاران (2019) رابطه بین ارزش‌های فرهنگی، هوش فرهنگی و سبک‌های مذاکره را بررسی کرده‌اند. نتایج نشان می‌دهد ارزش‌های فرهنگی (مانند فاصله قدرت، اجتناب از بی‌اطمینانی، جمع‌گرایی و مردانگی)، تأثیر مستقیمی بر سبک‌های مذاکره و تأثیر غیرمستقیم دارند که از طریق هوش فرهنگی میانجی‌گری می‌شود. این مطالعه بر اهمیت ارزش‌های فرهنگی و هوش فرهنگی بر سبک‌های مذاکره تأکید و به تحقیق و تمرین مذاکرات کمک می‌کند.

پروپوتنسکا و همکاران² (2022) در مقاله‌ای، مدارا را به عنوان یک راهبرد ارتباطی و فرهنگی-اجتماعی توافقات اجتماعی بررسی کرده‌اند. در این مقاله سه استراتژی اجتماعی-فرهنگی و ارتباطی پیشروی مدارا در توافقات اجتماعی شناسایی شده است که عبارت‌اند از: گفت‌وگوی درونی مدارا (توافق با خود)، ارتباط مدارا با جهان (تحمل جهان‌بینی) و ارتباطات بین فردی مدارا (قراردادهای اجتماعی مهم). همچنین شبیه‌سازی ادبیات پست‌مدرن درباره تفکر مثبت ترسیم شده است، در مقابل آن پتانسیل حیات‌آفرینی-فلسفه عملی آشکار می‌شود که به ایجاد جوامع اجتماعی-فرهنگی و ارتباطی کمک می‌کند.

در تحقیقات داخلی، به عواملی همچون سرمایه اجتماعی، عوامل اجتماعی، فردگرایی و ابعاد مدارای اجتماعی در بین قومیت‌ها اشاره و در تحقیقات خارجی، هوش فرهنگی و شایستگی‌های بین فرهنگی و سبک‌های مذاکره بررسی شده است. این پژوهش خاصه هوش فرهنگی را بر مدارای اجتماعی در بین قوم بلوچ بررسی می‌کند. از جنبه‌های جدید بودن آن، بررسی قوم بلوچ است که از لحاظ فرهنگی و

³ Vogt

⁴ Mutz

⁵ Wilkinson

⁶ Artsybashev

⁷ Stepanova

⁸ Kuzanski

⁹ Locke

¹⁰ Voltaire

¹ Caputo et al.

² Prepotenska et al.



بین‌المللی، احساس عمومی بی‌اطمینانی از آینده که با بحران زیست‌محیطی تکمیل شده است، همه نشانه‌های نظم جهانی جدیدی‌اند که در برابر چشمان ما آشکار می‌شود. جای تعجب نیست که شعارهای پسامدرنیسم در دنیای علم، استعاره‌ای از عصر جدیدند؛ مانند بی‌ثباتی شدید، نوسانات بین چالش‌های سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی و تفسیرهای مدرن و پست‌مدرن از رویدادها (Prepotenska et al., 2022: 296).

املنکو^۲ (2018) معتقد است که اگر مدارا نسبت به افراد دارای رفتار انحرافی نشان داده شود، یک فضیلت است و زمانی که بی‌تفاوتی نسبت به دیگران پشت آن پنهان شود، به یک رذیله تبدیل می‌شود. طبق گفته این محقق، این چیزی جز «رهایی از اخلاق تحت پوشش مدارا» نیست. بهترین رهنمودهای نظری تساهل واقعی، همچنان الزام اخلاقی کانت (1995) و «پارادوکس مدارا»^۳ است که پوپر^۴ (1992) آن را به رسمیت شناخته است: «حفظ بردباری، مستلزم تساهل با ناپردبار است». اضافه می‌کنیم که هابرماس^۵ با اشاره به لزوم گسترش فضاهای عمومی باز برای بحث دربارهٔ معضلات اجتماعی، فقط محدودیت‌های مدارا را ترسیم می‌کند و با تفاوت دیدگاه‌های طبیعی ارتباط‌گران، عوامل عینی زندگی روزمرهٔ اجتماعی را توضیح می‌دهد (Prepotenska et al., 2022: 303).

کینگ^۶ (1976)، مدارا را به چهار نوع تقسیم می‌کند: ۱- مدارای عقیدتی: مدارا نسبت به وجود یا تبلیغ عقاید مخالف با عقاید خود. او مدارای عقیدتی را باور به آزادی عقیده و دگراندیشی می‌داند؛ ۲- مدارای سازمانی: نوعی از مدارا که گردهمایی افراد با عقاید مخالف را می‌پذیرد و ایجاد نهادهای مختلف برای حل و فصل تضادها را قبول دارد؛ ۳- مدارای هویتی: بعد دیگری از مدارا که طبق آن افراد نسبت به

در دوران مدرن، کانت^۱ (1995) با طرح اصل امر اخلاقی، مدارا را نه تنها یک تجلی مطلوب اخلاق، یک وظیفهٔ مسلم تعبیر کرد. عصر روشنگری با تعریف مسئلهٔ مدارا، وجود آزادی را شرط اساسی حقوق بشر (آزادی بیان، آزادی وجدان) اضافه کرد. به‌طور کلی، ظهور لهجه‌های سیاسی در مضمون مدارا، سه گانهٔ لیبرال کلاسیک «آزادی، برابری و برادری» را آشکار کرد (Shynkaruk, 1994: 145).

دربارهٔ مفهوم مدارا به‌طور کلی گفته می‌شود مدارا عملی است که به مردم اجازه می‌دهد عقاید یا ویژگی‌های دیگران را دوست نداشته باشند یا حتی از آنها متنفر باشند، اما بدون جنگ آزاردهنده علیه آنان؛ یعنی مدارا، آزادگذاشتن دیگران برای داشتن ویژگی‌های شخصی یا نگهداری عقاید و اعمالی را توصیف می‌کند که دیگران آن را عملی اشتباه یا نفرت‌انگیز در نظر می‌گیرند (مقتدایی، ۱۳۸۹: ۷).

دگرگونی درخور توجهی از دیدگاه‌ها دربارهٔ پدیدهٔ مدارا در پارادایم پست‌مدرنیستی رخ داد. پسامدرنیسم با رد فرا روایت مدرنیسم، جهان‌زیبایی‌شناختی و اجتماعی فرهنگی خود را ایجاد کرد. در زمینهٔ تساهل و مدارا، باید به مواضع پست‌مدرنیستی نسبتاً متناقضی اشاره کرد، مانند: به رسمیت شناختن چندقطبی بودن جهان و در کنار آن، پرورش کنایه و تحقیر هنجارهای دائمی اخلاق و زیبایی‌شناسی، ادعای مرگبار زورگویی در زندگی عمومی. اولویت تفکر کلیپ ریزوماتیک و در عین حال افشای شبیه‌سازها در جامعه، عملکرد تحت کیش مصرف، رد دوقطبی سفت و سخت و جزم‌گرایی، دیدگاه تنوع به‌عنوان اساس مدارا به‌طور متناقضی، گرایش‌های پست‌مدرنیستی را به دیدگاه‌های کلاسیک دربارهٔ مدارا نزدیک می‌کند.

به‌طور کلی، تضادهای ایدئولوژیک پست‌مدرنیسم، ارتباط مستقیمی با بحران‌های تمدنی اواخر قرن بیستم و اوایل قرن بیست و یکم دارد. جهانی‌شدن، شهرنشینی، مجازی‌سازی، دیجیتالی‌شدن زندگی، افزایش جریان مهاجرت و درگیری‌های

² Omelenko

³ The paradox of tolerance

⁴ Popper

⁵ Habermas

⁶ King

¹ Kant

مدارا مسئولیتی است که در ایجاد حقوق بشر، پلورالیسم، دموکراسی و حمایت قانون اثر می‌گذارد. مفهوم مدارا، شامل طرد «حزم‌اندیشی» و «مطلق‌گرایی» و تأیید استانداردهای حقوق بشر بین‌الملل است (صابر، ۱۳۸۴ به نقل از مقتدایی، ۱۳۸۹: ۸). مدارا پاسخی به تفاوت‌ها میان دگماتیسم و نسبی‌گرایی قرار دارد (Dennis, 2007: 3).

هوش فرهنگی مفهومی چندبعدی که با مؤلفه‌های ذهنیت انگیزشی و رفتاری ترکیب شده است که به‌طور خاص با عملکرد در محیط‌های بین فرهنگی مرتبط است (Wang et al., 2021: 2). هوش فرهنگی یک تفاوت فردی چند وجهی است که رفتار انطباقی مؤثر یک فرد را در زمینه‌های فرهنگی جدید توصیف می‌کند (Earley and Ang, 2003). به‌طور کلی، تحقیق در هوش فرهنگی به دنبال درک این است که چرا برخی از افراد در هنگام سازگاری با محیط‌های فرهنگی مختلف، مؤثرتر از دیگران‌اند و شایستگی بین فرهنگی بالاتر از کجا نشئت می‌گیرد. برخی از محققان هوش فرهنگی فراشناختی و شناختی را در یک مؤلفه برای نمایش توانایی ذهنی گروه‌بندی می‌کنند (Ang et al., 2006). برخی دیگر به فراشناخت، شناخت، انگیزش و رفتار به‌عنوان شایستگی‌های ذهنی و رفتاری اشاره می‌کنند. با این حال به‌طور کلی، محققان بر مفهوم‌سازی هوش فرهنگی به‌عنوان یک ساختار چهار بعدی توافق دارند (Petalorenz et al., 2016: 14).

از نظر ارلی و انگ (2003)، هوش فرهنگی چهار بعد دارد:

هوش فرهنگی فراشناختی: بازتابی از فرآیندهای ذهنی است که فرد برای یادگیری و درک دانش فرهنگی اتخاذ می‌کند و شامل دانش و کنترل فرآیندهای تفکر مرتبط با فرهنگ است (Wang et al., 2021: 2). فراشناخت به دانش و قابلیت پردازش اطلاعات اشاره دارد (Earley and Ang, 2003) و بنابراین کنترل بر شناخت، به پردازش عمیق اطلاعات و درک احساسات، انگیزه‌ها و اهداف افراد منجر می‌شود. این بعد هوش فرهنگی به فرد اجازه می‌دهد تا پیش‌دوری‌های خود را درباره دیگر فرهنگ‌ها کنار بگذارد، قوانین جدیدی را برای تعامل اجتماعی

ویژگی‌های هویتی مانند ملیت، جنس، نژاد، زبان و دین از خود مدارا نشان می‌دهند؛ ۴- مدارای رفتاری: بیان‌کننده وجودنداشتن سخت‌گیری نسبت به رفتارهای قانونی و غیرقانونی مانند روابط جنسی، مجرمان و بعضی جرم‌ها در جامعه است. در این میان ممکن است عامل مدارا فرد، گروه اجتماعی یا فرقه مذهبی و قومی یا حتی خود حکومت باشد که در هر صورت باید قدرت داشته باشد تا مدارا، نه تحمل، را از خود نشان دهد (به نقل از بهشتی و همکاران، ۱۳۹۸: ۹۳).

وگت (2002) مدارا را به سه دسته تقسیم می‌کند: مدارای سیاسی یعنی حق قائل شدن نسبت به آزادی‌های مدنی، مدارای اخلاقی یعنی مدارا نسبت به اعمال دیگران در فضای خصوصی و مدارای اجتماعی یعنی مدارا نسبت به ویژگی‌های غیر اختیاری افرادی که از بدو تولد همراه او هستند. وگت از مدارا به‌منزله گرایش رفتاری نام برده است؛ به‌طوری که چنین نگرشی در خلال رفتار مشهود است. او معتقد است مدارا شامل نگرشی منفی و حمایت از حقوق دیگران به‌طور هم‌زمان است؛ به‌طوری که وجود هم‌زمان این دو شرط، مدارا قلمداد می‌شود.

از دیگر نظریه‌ها درباره مدارا، نظریه محرومیت نسبی و فاصله طبقاتی ویلکینسون (1996) است. طبق این دیدگاه، کاهش شکاف و فاصله طبقاتی میان طبقات فقیر و غنی، سبب افزایش مدارای اجتماعی می‌شود؛ بنابراین کشورهای دارای شکاف طبقاتی کمتر، میزان جرم و جنایت، سلامت اجتماعی و به‌طور کلی مدارای اجتماعی بیشتری دارند (بهشتی و رستگار، ۱۳۹۱: ۱۷). طبق نظر آگیوس و آمبروسویچ^۱ (2003)، ویژگی‌های زیر برای مفهوم مدارا مشخص می‌شود:

۱. مدارا احترام و پذیرش تنوع فرهنگ‌های دنیای اطرافمان و شیوه‌های متفاوت انسان‌بودن، است؛
۲. مدارا به معنای سازش، بخشش یا تشویق رفتار منفی نیست. در اصل مدارا نگرشی فعال براساس به رسمیت شناختن حقوق و آزادی‌های همگانی بشری است.

¹ Agius and Ambrosevich

شناختی بالا، تفاوت‌ها و همچنین شباهت‌ها را در جنبه‌های مختلف فرهنگ جهانی و خاص درک می‌کنند. در مقایسه با سه مؤلفه دیگر هوش فرهنگی، هوش فرهنگی-شناختی بیشتر شبیه به تعاریف سنتی هوش است (Petralorenz et al., 2016: 16).

هوش فرهنگ-انگیزشی: به پویایی یادگیری اشاره دارد و در مورد و عملکرد در یک زمینه فرهنگی متفاوت است (Wang et al., 2021: 2). این بعد به علاقه‌مندی فرد در انطباق با فرهنگ جدید مربوط می‌شود؛ یعنی انگیزه ذاتی شخص که به او امکان لذت بردن از تعامل و رویارویی با فرهنگ‌های جدید را می‌دهد. این شخص در تعاملات خود، احساس اعتماد به نفس دارد (بهشتی و همکاران، ۱۳۹۸: ۹۳). هوش فرهنگی-انگیزشی شامل توانایی فرد برای هدایت انرژی و توجه به یادگیری، انطباق با عملکرد در یک موقعیت یا محیط فرهنگی متنوع است (Ang et al., 2006: 89؛ Earley and Ang, 2003). با تکیه بر جنبه‌های نظریه خودکارآمدی بندورا^۱ (1997) و نظریه خودتعیین‌گری رایان و دسی^۲ (2000)، مؤلفه انگیزشی شامل افزایش، کارآمدی و ثبات می‌شود (Ang et al., 2006). تقویت خود نشان‌دهنده افزایش حساسیت به محرک‌های مرتبط با خود، در مقابل محرک‌های کم‌ارتباط است که خود را در تمایل افراد به ارائه نادرست واقعیت به‌منظور حفظ یک تصویر مثبت از خود نشان می‌دهد. در سطح فردی، خودسازی بالا با هوش فرهنگی پایین، به این استدلال مرتبط است که فرد را از کاوش در موقعیت‌های جدید محدود می‌کند، در حالی که در سطح جمعی، انگیزه‌های ارتقای خود ممکن است با هوش فرهنگی بالا مرتبط باشد. مردم دیگران را فعالانه برای کسب اطلاعات درگیر خواهند کرد (Earley and Ang, 2003: 89). خودکارآمدی به اعتماد به نفس ویژه کار برای سازگاری با موقعیت‌های بین فرهنگی جدید مربوط می‌شود. ممکن است اعتماد به تعاملات بین فرهنگی، توانایی تمرکز بر انگیزه‌های درونی را به جای

در محیط فرهنگی جدید ابداع کند و آنها را توسعه دهد (بهشتی و همکاران، ۱۳۹۸: ۹۲). به این ترتیب، سطح هوش فرهنگی فراشناختی خود را در توانایی شناخت عملکردهای فرهنگی‌اش، زیر سؤال بردن مفروضات فرهنگی، تعلیق قضاوت تا زمانی که داده‌های کافی در دسترس است و توسعه مکانیسم‌های مقابله‌ای انعطاف‌پذیر را نشان می‌دهد.

پردازش شناخت اجتماعی و همچنین خودپنداره فرد، نظریه‌هایی‌اند که زیربنای توانایی فراشناختی به شمار می‌روند. فردی که دارای فراشناخت بالاست، ویژگی‌های بسیار متمایز و انعطاف‌پذیری دارد. مفهوم خود و دیگران، فیلتری برای درک موقعیت‌های جدید و سازگاری ذهنی با زمینه‌های جدید است. علاوه بر این، افراد فراشناختی بالا، قابلیت پردازش اجتماعی دارند که آنها را قادر می‌کند تا منطق استدلال خود را از جمله نظارت بر خود، خودارزیابی و واکنش به خود را درک کنند (Earley and Ang, 2003). در نهایت افراد با هوش فرهنگی-فراشناختی، استدلال قیاسی و استقرایی دارند. استدلال قیاسی برای انتقال دانش و تجربیات مهم است، در حالی که استدلال استقرایی به فرد کمک می‌کند تا سرنخ‌هایی را درک کند که در بیشتر مواقع مبهم‌اند یا اطلاعات گمراه‌کننده‌ای دارند (Petralorenz et al., 2016: 15).

هوش فرهنگی-شناختی: دانش قوانین و قراردادهای فرهنگ‌های مختلف است و افرادی که هوش فرهنگی-شناختی بالایی دارند، درک روشنی از شباهت‌ها و تفاوت‌ها در فرهنگ دارند (Wang et al., 2021: 2). همان دانش و اطلاعاتی است که فرد درباره فرهنگ‌های مختلف در ذهن خود دارد؛ مانند آشنایی با آداب و رسوم، ارزش‌ها، رفتارها و قوانین مربوط به فرهنگ‌های دیگر (بهشتی و همکاران، ۱۳۹۸: ۹۳). هوش فرهنگی-شناختی از جنبه‌های جهانی فرهنگ و تفاوت‌های خاص فرهنگ درباره هنجارها، اعمال، باورهای مذهبی، هنرها و صنایع دستی، زبان‌ها و قراردادهای تشکیل شده است (Ang et al., 2006: 337). جنبه‌های خاص دانش فرهنگی، علاوه بر این، اطلاعاتی درباره سیستم‌های حقوقی، اقتصادی، سیاسی و اجتماعی دارد. بنابراین، افراد با هوش فرهنگی-

¹ Bandura

² Ryan & Deci

طبقه‌بندی می‌شود که بر تنظیمات بین فرهنگی متمرکز است. با این حال، هوش فرهنگی از دیگر اشکال هوش متمایز است. هوش هیجانی، هوش محاسباتی و هوش اجتماعی از نظر فرهنگی محدودند؛ زیرا توانایی رمزگذاری احساسات و موقعیت‌های اجتماعی به‌طور اجتناب‌ناپذیری به فرهنگ‌های ناشناخته منتقل نمی‌شود (Petralorenz, 2016: 14).

ارلی و انگ (2003) هوش فرهنگی را به‌عنوان یک سازه چند بعدی مفهوم‌سازی کردند. به‌طور خاص، استرنبرگ (2000) پیشنهاد کرد که مکان‌های هوشی مختلفی در درون فرد وجود دارد - فراشناخت، شناخت، انگیزه و رفتار - و درک کامل‌تر هوش، مستلزم در نظر گرفتن هر چهار مکان است. ارلی و انگ (2003) با اتخاذ استدلال مکان‌های چندگانه، هوش فرهنگی را یک ساختار چند بعدی جمعی توصیف کردند. برای روشن‌شدن بیشتر ماهیت هوش فرهنگی، باید توضیح داد که هوش فرهنگی چیست. به‌طور خاص، هوش فرهنگی از شخصیت و دیگر اشکال هوش متمایز است (Ang et al., 2006: 824).

هوش فرهنگی و شخصیت: هوش فرهنگی مجموعه‌ای از توانایی‌هاست که به ویژگی‌های شخصی و توانایی انجام رفتار مورد علاقه مربوط می‌شود. به این ترتیب، هوش فرهنگی به‌وضوح با ویژگی‌های شخصیتی، که تفاوت‌های فردی در آن ناتوان‌اند، متفاوت است. هوش فرهنگی بر قابلیت‌های فرهنگی مرتبط تمرکز دارد. بنابراین، این ویژگی بیشتر از شخصیت یا توانایی شناختی عمومی است. علاوه بر این، هوش فرهنگی انعطاف‌پذیر است و از طریق تجربه و آموزش افزایش می‌یابد؛ از این رو، هوش فرهنگی یک تفاوت فردی حالت‌مانند است که در طول زمان تکامل می‌یابد، در حالی که شخصیت، یک تفاوت فردی نسبتاً پایدار است (Ang et al., 2006: 825).

هوش فرهنگی در ارتباط با دیگر سازه‌های هوشی: هوش فرهنگی شبیه توانایی شناختی عمومی و هوش هیجانی (Mayer & Salovey, 1993) است؛ زیرا با مجموعه‌ای از توانایی‌ها سر و کار دارد. با این حال، هوش فرهنگی در

رضایت‌های آنی افزایش دهد که ممکن است در یک محیط خارجی در دسترس باشد یا نباشد. درنهایت، خودسازگاری مقاومت در برابر اطلاعات جدید و ناتوانی در سازگاری با زمینه جدید را تشکیل می‌دهد و بنابراین با هوش فرهنگی پایین مرتبط است (Petralorenz, 2016: 16).

هوش فرهنگی-رفتاری: توانایی انجام اقدامات مناسب کلامی و غیرکلامی در تعامل با افراد با زمینه‌های فرهنگی مختلف است. براساس کار استرنبرگ^۱ (2000) درباره هوش، هوش فرهنگی نوعی هوش عملی است که بر تنظیمات فرهنگی متنوع تمرکز دارد و از دیگر اشکال هوش متمایز است. هوش فرهنگی مبتنی بر رفتار، به حوزه عمل اشاره دارد و شامل قابلیت‌های کلامی و غیرکلامی است (Wang et al., 2021: 2). بعد رفتاری هوش فرهنگی به این حیطه مربوط می‌شود که افراد تا چه اندازه قادرند مجموعه‌ای از مهارت‌های رفتاری، رفتارهای کلامی و غیرکلامی را در محیط‌های فرهنگی جدید به نمایش بگذارند (بهشتی و همکاران، ۱۳۹۸: ۹۳). هوش فرهنگی-رفتاری حوزه کنش سازه و در نتیجه توانایی فرد برای متعهدشدن به رفتار انطباقی و نشان‌دادن رفتارهای کلامی و غیرکلامی مناسب فرهنگی را منعکس می‌کند. افراد در هوش فرهنگی-رفتاری بالا، به‌صورت کلامی و غیرکلامی بر تعاملات تسلط پیدا می‌کنند، اما در عین حال احساس حضور و نمایش عاطفی نیز دارند. توماس^۲ (2006) پیشنهاد می‌کند که رفتار، مبتنی بر دانش فرهنگ (فراشناخت و شناخت) است و اهداف و انگیزه‌های فردی را یکپارچه می‌کند. بر این اساس، مؤلفه رفتاری همبستگی بالایی با جنبه‌های فراشناختی، شناختی و انگیزشی دارد و با چارچوب روان‌شناختی درک، پردازش و هدایت میل به عمل هدایت می‌شود (Petralorenz, 2016: 16).

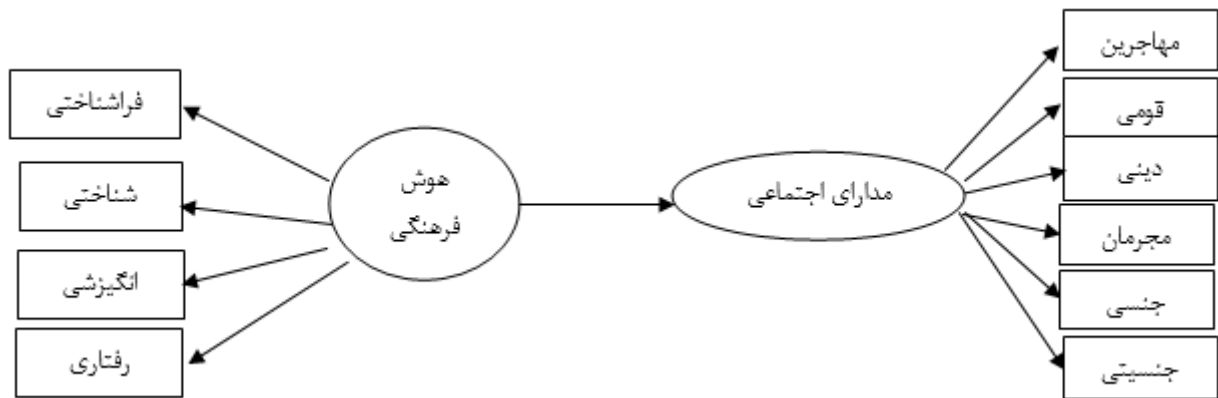
تا به امروز، بیشتر تئوری هوش فرهنگی و تحقیقات تجربی بر این چهار مؤلفه هوش فرهنگی همگرا شده‌اند. بنابراین، هوش فرهنگی را در یک حوزه خاص از هوش

¹ Sternberg

² Thomas

نشانه‌های عاطفی به‌طور نمادین در یک فرهنگ ساخته می‌شوند، فردی که در یک فرهنگ از نظر عاطفی باهوش است، لزوماً در فرهنگ دیگر از نظر عاطفی باهوش نیست (Ang et al., 2006). به عبارت دیگر، هوش هیجانی محدود به فرهنگ است. در مقابل، هوش فرهنگی مختص فرهنگ نیست و به مجموعه‌ای کلی از قابلیت‌ها با ارتباط با موقعیت‌هایی اشاره دارد که با تنوع فرهنگی مشخص می‌شود (Ang et al., 2006: 826). با توجه به مطالب مطرح‌شده، الگوی مفهومی پژوهش به شکل زیر است:

ماهیت توانایی بررسی شده با دو هوش، متفاوت است. توانایی شناختی عمومی - توانایی یادگیری - عملکرد را در بسیاری از مشاغل و موقعیت‌ها پیش‌بینی می‌کند، اما مختص زمینه‌های خاصی نیست؛ مانند موقعیت‌های فرهنگی متنوع. علاوه بر این، جنبه‌های رفتاری یا انگیزشی هوش را شامل نمی‌شود. هوش هیجانی (EQ) توانایی مقابله با احساسات شخصی است؛ بنابراین، شبیه هوش فرهنگی است؛ زیرا فراتر از هوش تحصیلی و ذهنی است، اما با هوش فرهنگی متفاوت است، چون بر توانایی کلی درک و مدیریت احساسات، بدون در نظر گرفتن زمینه فرهنگی تمرکز دارد. با توجه به اینکه



شکل ۱- مدل مفهومی تحقیق

Fig 1- Conceptual model of the research

روش‌شناسی تحقیق

مطالعه حاضر به‌لحاظ اجرا از نوع پیمایشی، از نظر زمانی، مقطعی، به‌لحاظ ماهیت، کاربردی و به‌لحاظ وسعت، پهنانگر است. جمعیت آماری تحقیق را کلیه شهروندان بالای ۱۵ سال مناطق بلوچ‌نشین استان سیستان و بلوچستان تشکیل می‌دهند که براساس آمار سرشماری در سال ۱۳۹۵، تعداد کل آنها ۹۶۱۹۲۹ نفر بوده است. با توجه به اینکه آمار دقیقی از تعداد قوم بلوچ در دسترس، بنابراین مجموع تعداد شهروندان شهرهایی با اکثریت جمعیت بلوچ‌نشین در استان سیستان و بلوچستان، تعداد جامعه آماری در نظر گرفته شد.

برای برآورد حجم نمونه با استفاده از جدول نمونه‌گیری مورگان با میزان خطای ۵درصد، حجم نمونه ۳۸۴ نفر

فرضیه‌های پژوهش

فرضیه اول: به نظر می‌رسد سطح مدارای اجتماعی پاسخگویان با سطح متوسط تفاوت معناداری دارد؛
فرضیه دوم: به نظر می‌رسد سطح مدارای اجتماعی پاسخگویان با سطح متوسط تفاوت معناداری دارد؛
فرضیه سوم: به نظر می‌رسد سطح مدارای اجتماعی پاسخگویان بر حسب جنسیت آنان تفاوت معناداری دارد؛
فرضیه چهارم: به نظر می‌رسد سطح هوش فرهنگی پاسخگویان بر حسب جنسیت آنان تفاوت معناداری دارد.
فرضیه پنجم: به نظر می‌رسد هوش فرهنگی پاسخگویان بر میزان مدارای اجتماعی آنان اثر می‌گذارد.

متغیر هوش فرهنگی، ابعاد زیر در نظر گرفته شده است که با استفاده از پرسش‌نامه ارلی و انگ (2003) اندازه‌گیری شده است. این ابعاد عبارت‌اند از: بعد فراشناختی، بعد شناختی، بعد انگیزشی، بعد رفتاری.

مدارای اجتماعی: مدارا شامل دانش و برآورد ارزش‌های «دیگری» و «دیگری» و همچنین فعالیت‌های عملی مبتنی بر آن‌هاست. همچنین مدارا، تجلی آشکار احترام به عقاید مختلف، باورها، فرهنگ جهانی، ادراک ارزش‌های انسانی مبتنی بر رنج و همچنین حقوق فردی، با هدف بیان خود است (Ochildiev, 2007: 9). ابعاد زیر برای متغیر مدارای اجتماعی در نظر گرفته و با گویه‌های مناسب اندازه‌گیری شده‌اند. این ابعاد عبارت‌اند از: مدارای جنسیتی (مدارا نسبت به زنان مدارا با روابط جنسی)، مدارای قومی (مدارا نسبت به اقوام)، مدارای سیاسی، مدارا نسبت به مهاجران، مدارای دینی و مدارا نسبت به جرم و مجرمان.

برای تحلیل داده‌های تحقیق از نرم‌افزار SPSS و نیز مدل‌سازی معادلات ساختاری واریانس محور با نرم‌افزار Smart PLS استفاده شده است.

با توجه به استفاده از تکنیک مدل‌سازی معادلات ساختاری در این تحقیق، اعتبار پرسش‌نامه به‌وسیله اعتبار سازه تأیید شد. براساس میانگین واریانس استخراج‌شده عامل‌ها (AVE) در جدول ۱ و نیز بارهای عاملی معرف‌ها و عامل‌ها در شکل ۱، به صحت این ادعا پی برده می‌شود. برای برآورد پایایی پرسش‌نامه نیز از ضریب آلفای کرونباخ ترکیبی در جدول زیر استفاده شد.

مشخص شد که برای اطمینان بیشتر ۴۰۰ پرسش‌نامه توزیع می‌شود. روش نمونه‌گیری در این تحقیق، با استفاده از روش خوشه‌ای چند مرحله‌ای بوده است. فرایند نمونه‌گیری به این صورت بوده است که در ابتدا تمام شهرهایی که جمعیت بیشترشان بلوچ بودند، مشخص و از بین آنها شهرهای چابهار، ایرانشهر، کنارک، زرآباد، سرباز به‌صورت تصادفی انتخاب شدند و در مرحله بعد در هر شهر، چهار منطقه اصلی انتخاب و پرسش‌نامه در بین شهروندان این مناطق توزیع شد.

ابزار استفاده‌شده در این مطالعه، پرسش‌نامه بوده است. پرسش‌نامه استفاده‌شده شامل دو بخش بود: در بخش اول که مربوط به گویه‌های مدارای اجتماعی است، از گویه‌هایی استفاده شد که قبلاً نیز در تحقیقات دیگر به کار رفته بودند (بهشتی و رستگار، ۱۳۹۱؛ بهشتی و همکاران، ۱۳۹۸) و در بخش دوم گویه‌های مربوط به هوش فرهنگی، از پرسش‌نامه استاندارد هوش فرهنگی ارلی و انگ (2003) و ... استفاده شده است. کلیه گویه‌ها در پرسش‌نامه‌های مذکور، در طیف لیکرت و در قالب پاسخ‌های پنج گزینه‌ای سنجیده شده‌اند.

تعاریف متغیرها و نحوه سنجش آنها

هوش فرهنگی: چندبعدی و مفهومی با مؤلفه‌های ذهنی، فراشناختی، شناختی، انگیزشی و رفتاری است که به‌طور خاص با عملکرد در محیط‌های بین فرهنگی مرتبط، ترکیب شده است (Wang et al., 2021: 2). همچنین هوش فرهنگی عبارت است از توانایی افراد در درک وضعیت فرهنگ‌های مختلف و توان انطباق با آنها (اصانلو و خدای، ۱۳۹۲: ۷۵). برای

جدول ۱- شاخص‌های اعتبار و پایایی متغیرهای تحقیق

Table 1- Validity and reliability indicators of research variables

متغیر	متوسط واریانس استخراج‌شده (AVE)	ضریب آلفای کرونباخ ترکیبی
مدارای اجتماعی	۰,۶۱۰	۰,۸۶۷
هوش فرهنگی فراشناختی	۰,۵۵۵	۰,۸۲۶
هوش فرهنگی شناختی	۰,۵۲۳	۰,۷۴۱
هوش فرهنگی - انگیزشی	۰,۵۰۵	۰,۷۷۵
هوش فرهنگی - رفتاری	۰,۴۹۸	۰,۷۲۲

یافته‌های تحقیق

در ادامه یافته‌های حاصل از تحلیل داده‌ها به صورت توصیفی و استنباطی ارائه می‌شوند. جدول ۲، اطلاعات مربوط به فراوانی نسبی متغیرهایی چون جنسیت، وضعیت تأهل، وضعیت مهاجرت و نیز وضعیت سکونت پاسخگویان را نشان می‌دهد.

جدول فوق نشان می‌دهد تمامی گویه‌های پرسش‌نامه برای ساخت متغیرهای مدنظر، از همبستگی درونی بالایی برخوردارند؛ بنابراین پایایی پذیرفتنی دارند. ضمن اینکه میزان واریانس استخراج شده آنها نیز، اعتبار پذیرفتنی گویه‌ها را در اندازه‌گیری متغیرها نشان می‌دهد.

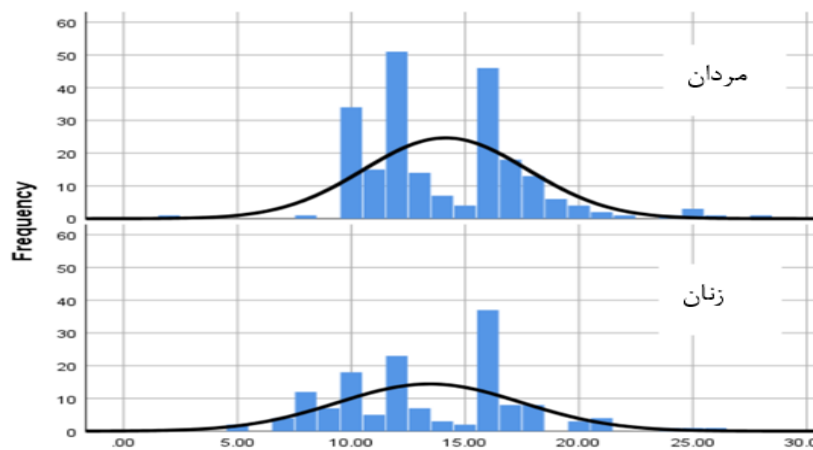
جدول ۲- توصیف ویژگی‌های پاسخگویان تحقیق

Table 2- Description of the characteristics of the research respondents

جنسیت	درصد	وضع تأهل	درصد	مذهب	درصد	مهاجرت	درصد	سکونت	درصد
مرد	۵۹,۵	مجرد	۳۷,۵	سنی	۹۳,۳	مهاجر	۱۴,۳	شهر	۵۶,۳
زن	۴۰,۵	متأهل	۵۴,۸	شیعه	۶,۸	بومی	۸۵,۸	روستا	۴۳,۸

در مجموع مردان از وضعیت تحصیلی بالاتر و متنوع‌تری برخوردارند. بیشترین فراوانی مقاطع تحصیلی ابتدا در مقطع کارشناسی و بعد نیز در مقطع دیپلم دیده می‌شود. شکل ۲، نشان‌دهنده وضعیت ذکر شده است.

شاخص‌های مربوط به وضع تحصیلی پاسخگویان نشان از آن دارد که میانگین سنوات تحصیلی پاسخگویان مرد ۱۴,۱۲ سال با انحراف معیار ۳,۵۵ سال است، در حالی که این شاخص برای زنان برابر با ۱۳,۴۵ سال با انحراف معیار ۴,۰۴ سال مشخص شده است. چنین قضاوت می‌شود که



شکل ۲- نمودار وضعیت تحصیلی پاسخگویان بر حسب جنسیت

Fig 2- Educational status of the respondents by gender

وضعیت متغیرها در سطح جامعه آماری، جدول زیر تهیه شده است:

برای توصیف وضعیت کلی نمونه تحقیق به لحاظ متغیرهای مستقل و وابسته موجود در تحقیق و همچنین

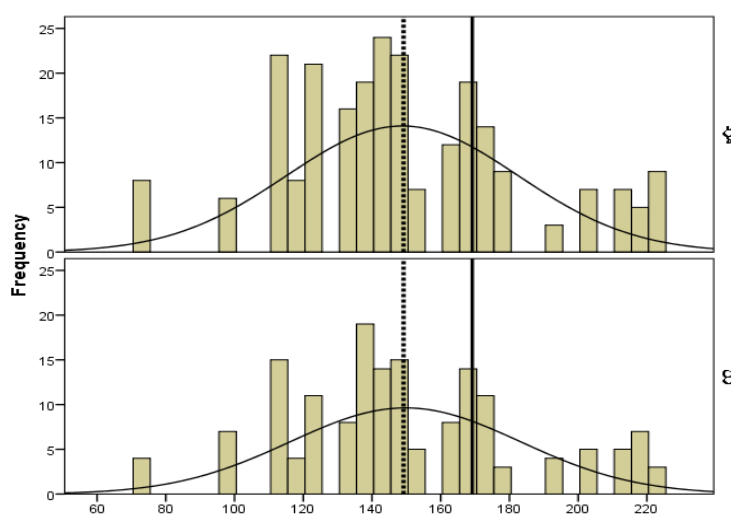
جدول ۳- وضعیت توصیفی و استنباطی متغیرهای تحقیق

Table 3- Descriptive and inferential status of research variables

متغیر	میانگین طیف	میانگین واقعی	انحراف معیار	چولگی	کشیدگی	حداقل	حداکثر	مقدار تی	سطح معنی‌داری
مدارای اجتماعی	۱۵۶	۱۴۹,۱۸	۳۳,۵۹	۱/۰۰	۱/۹۴۱	۷۳	۲۲۴	-۴,۰۵	۰,۰۰۰
هوش فرهنگی کل	۶۰	۶۷,۷۵	۱۲,۲۱	۱/۱۷۱	۰/۵۴۷	۳۶	۸۸	۱۲,۷۰	۰,۰۰۰
هوش فرهنگی فراشناختی	۱۲	۱۲,۹۷	۴,۸۶	۰/۵۴۱	۰/۳۲۴	۴	۲۰	۳,۹۸	۰,۰۰۰
هوش فرهنگی شناختی	۱۸	۲۰,۲۴	۵,۳۸	-۰/۳۱۵	۰/۱۲۲	۶	۳۰	۸,۳۲	۰,۰۰۰
هوش فرهنگی انگیزشی	۱۵	۱۷,۰۲	۴,۴۰	۰/۷۸۴	۰/۲۳۵	۵	۲۵	۸,۰۶	۰,۰۰۰
هوش فرهنگی رفتاری	۱۵	۱۷,۵۳	۴,۴۰	۰/۱۱۲	۰/۷۹۷	۸	۲۵	۱۱,۴۹	۰,۰۰۰

میانگین طیف است. سطح معناداری (۰/۰۰) آزمون تی تک نمونه‌ای، این نتیجه را در سطح جامعه آماری تأیید می‌کند. بر این اساس، فرضیه اول و دوم تحقیق که مدعی تفاوت معنادار سطوح هوش فرهنگی و مدارای اجتماعی با سطح متوسط‌اند، تأیید و فرض صفر آنها رد می‌شود. در شکل ۳، وضعیت فرضیه اول مشاهده می‌شود.

در جدول ۳، منظور از میانگین واقعی، میانگین به دست آمده از پاسخ‌های پاسخگویان است و منظور از میانگین طیف، میانگین نمرات گویه‌هایی است که در پرسش‌نامه تحقیق از آنها استفاده شده است. چنان‌که جدول ۳ نشان می‌دهد، در سطح نمونه آماری، میانگین میزان مدارای اجتماعی پایین‌تر از میانگین طیف است. درباره هوش فرهنگی و تمامی چهار بعد آن، میانگین پاسخ‌ها بالاتر از



شکل ۳- نمودار بافت‌نگار توزیع فراوانی سطح مدارای اجتماعی در بین پاسخگویان بر حسب جنسیت

Fig 3- Distribution of social tolerance level among the respondents by gender

جامعه آماری در سطح معنی‌داری (۰/۰۰) با اطمینان ۹۹ درصد صادق است.

فرضیه سوم این تحقیق مبنی بر وجود تفاوت معنادار مدارای اجتماعی در بین زنان و مردان رد و بنابراین فرضیه صفر پذیرفته می‌شود هرچند در سطح نمونه آماری، میانگین مدارای اجتماعی زنان اندکی از مردان بالاتر است،

خط نقطه چین در نمودار، خط مرجعی است که میانگین مدارای اجتماعی پاسخگویان و خط مرجع پیوسته، میانگین طیف را نشان می‌دهد. با توجه به تفاوت محل قرارگیری این دو خط مرجع، نتیجه می‌گیریم میانگین مدارای اجتماعی پایین‌تر از میانگین طیف است. چنان‌که در سطور قبل نیز توضیح داده شد، این ادعا در سطح نمونه و نیز

می‌دهد. نتیجه آزمون تی دو گروه مستقل (جدول ۴) هم گواه بر نبود تفاوت معنی‌داری بین میانگین گروه زنان و مردان درباره مدارای اجتماعی است.

ولی با توجه به سطح معناداری آزمون تی مستقل به میزان ۰,۷۹۶ این فرضیه رد می‌شود. نمودار بافت‌نگار پندبندی‌شده شماره ۲ نیز این وضعیت را به‌صراحت نشان

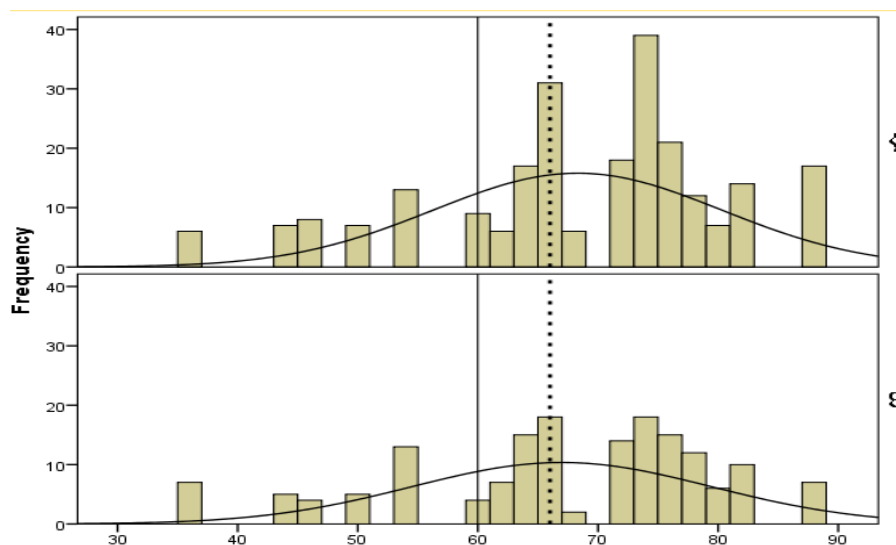
جدول ۴- آزمون تی دو نمونه مستقل مدارای اجتماعی بر حسب جنسیت

Table 4- Independent samples T-test of social tolerance by gender

سطح معنی‌داری	T مقدار	جنسیت				مدارای اجتماعی هوش فرهنگی
		مرد		زن		
		میانگین	تعداد	میانگین	تعداد	
۰/۷۹۶	-۰/۲۵۹	۱۴۸/۸۲	۲۳۸	۱۴۹/۷۰	۱۶۲	مدارای اجتماعی
۰/۲۹۲	۱/۰۵۵	۶۸/۲۸	۲۳۸	۶۶/۹۶	۱۶۲	هوش فرهنگی

شکل ۴، ضمن نشان دادن نتیجه فوق، به‌صورت تصویری وضعیت فرضیه دوم تحقیق را نیز تأیید می‌کند. چنان‌که توضیح داده شد، با توجه به تفاوت محل قرارگیری خط مرجع نقطه‌چین (میانگین به دست آمده) و خط مرجع پیوسته (میانگین طیف) نتیجه گرفته می‌شود که میانگین هوش فرهنگی بالاتر از حد وسط است.

جدول ۴ نشان می‌دهد فرضیه چهارم تحقیق درباره وجود تفاوت معنی‌دار در سطح هوش فرهنگی پاسخگویان بر حسب جنسیت آنها رد شده است. با توجه به نتایج آزمون تی، دو نمونه مستقل که سطح معنی‌داری (۰/۲۹۲) بیشتر از (۰/۰۵) است، میانگین هوش فرهنگی زنان و مردان تفاوت معنی‌داری با هم ندارند. نمودار بافت‌نگار

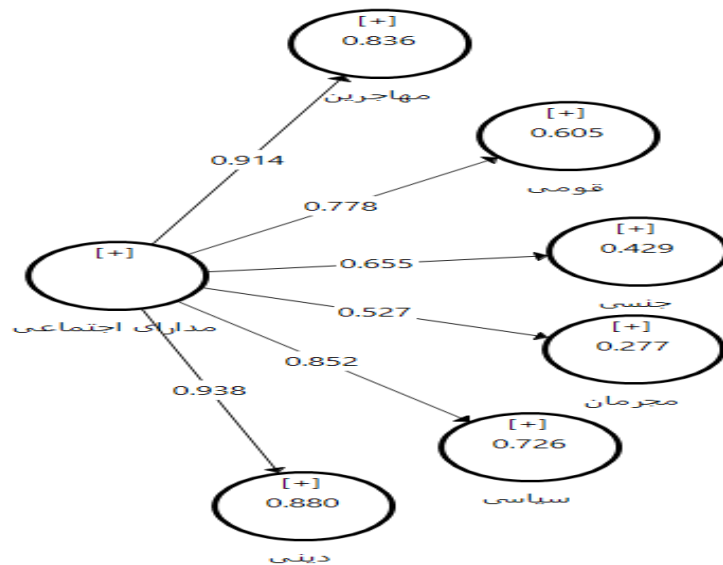


شکل ۴- نمودار بافت‌نگار توزیع فراوانی سطح هوش فرهنگی بر حسب جنسیت در بین پاسخگویان

Fig 4- Distribution of the level of cultural intelligence by gender among the respondents

بنابراین، ضمن تأیید اعتبار همگرایی مدل، وجود بارهای عاملی بالای موجود در مدل نیز نشان از وجود اعتبار مدل در سطح معرف‌ها دارد. مدل اندازه‌گیری متغیر ذکرشده در شکل ۵ نمایش داده شده است:

متغیر وابسته این تحقیق (مدارای اجتماعی) به‌صورت یک مدل اندازه‌گیری انعکاسی تدوین و برازش شده است. براساس یافته‌های جدول ۱، این شاخص‌ها به‌خوبی عامل پنهان مدارای اجتماعی را اندازه‌گیری کرده‌اند؛ زیرا میانگین واریانس استخراج‌شده این عامل برابر ۰,۶۱۰ شده است.



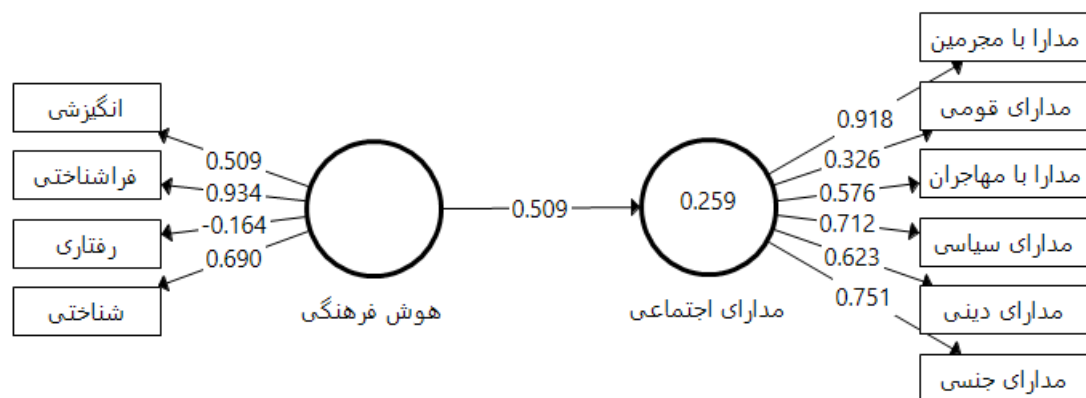
شکل ۵- مدل اندازه‌گیری انعکاسی مدارای اجتماعی

Fig 5- Reflexive measurement model of social tolerance

به عبارت دیگر، برآزش داده‌ها به الگو برقرار است. همچنین ضریب مجذور اف (F^2) به میزان ۰,۳۴۸ نشان‌دهنده اندازه اثر با این مدل است. مقدار بتای به دست آمده در مدل (شکل ۶) نیز نشان می‌دهد که با یک واحد تغییر در انحراف معیار هوش اجتماعی به میزان ۰/۵۰۹ در انحراف معیار مدارای اجتماعی تغییر ایجاد می‌شود. با توجه به مثبت بودن این ضریب نتیجه می‌گیریم که اثر این متغیر مثبت است و با بالارفتن سطح هوش فرهنگی، میزان مدارای اجتماعی آنها نیز افزایش پیدا می‌کند.

چنان‌که گفته شد برای آزمون فرضیه‌های تحقیق، از مدل‌سازی معادلات ساختاری واریانس محور استفاده شده است. با توجه به وجود ابعاد متعدد سازه‌های هوش فرهنگی و مدارای اجتماعی و به تبع آن، تعداد بالای گویه‌های اندازه‌گیرنده آنها و نیز سطح بالای بار عاملی معرف‌ها و همچنین برای حفظ اصل سادگی مدل، تصمیم بر این گرفته شد که برخی متغیرهای درون مدل، متغیرهای آشکار باشند. شکل ۶، محاسبات و خروجی نرم‌افزار pls را نشان می‌دهد.

شاخص SRMR به میزان ۰/۰۸۶ نشان می‌دهد که مدل مفروض تدوین شده با داده‌های پژوهش حمایت می‌شوند؛



شکل ۶- مدل معادله ساختاری-تجربی تحقیق

Fig6- Structural equation modeling of the empirical research model



فرایندهای تفکر مرتبط با فرهنگ، همچنین دانش و قابلیت پردازش این امکان را فراهم کرده است که پیش‌داوری و تعصب دربارهٔ دیگر فرهنگ‌ها را کنار بگذارد و سطح تعامل و مدارای اجتماعی فرد افزایش یابد. به این ترتیب، سطح هوش فرهنگی فراشناختی فرد در توانایی شناخت عملکردهای فرهنگی خود، زیر سؤال بردن مفروضات فرهنگی و توسعهٔ مکانیسم‌های مقابله‌ای انعطاف‌پذیر، نشان می‌دهد فردی که دارای فراشناخت بالاست، ویژگی‌های بسیار متمایز و انعطاف‌پذیری دارد و در نهایت این ویژگی‌ها در فرد باعث می‌شود که مدارای اجتماعی مناسب‌تری با فرهنگ‌های مختلف و متفاوت داشته باشد. این رابطه در تحقیق بهشتی و همکاران (۱۳۹۸) نیز تأیید شده است.

دربارهٔ بعد شناختی هوش فرهنگی و مدارای اجتماعی رابطهٔ معناداری وجود نداشت. این یافته با یافتهٔ بهشتی و همکاران (۱۳۹۸) هماهنگ است. هوش فرهنگی-شناختی باعث می‌شود که فرد درک روشنی از شباهت‌ها و تفاوت‌ها در فرهنگ داشته باشد. همچنین باعث می‌شود که افراد با آداب و رسوم، ارزش‌ها، رفتارها و قوانین مربوط به فرهنگ‌های دیگر آشنا باشند. یکی از مهم‌ترین دلایل رد فرضیهٔ هوش فرهنگی-شناختی با مدارای اجتماعی، نشناختن شباهت‌ها و تفاوت‌های دیگر فرهنگ‌ها به‌وسیلهٔ افراد بررسی شده بوده است. جامعهٔ بلوچستان با توجه به دور از مرکز بودن و نبود سهولت دسترسی به دیگر شهرها و ارتباطات ناچیز شهروندان بلوچ با دیگر شهرهای کشور و همچنین به‌سبب تفاوت مذهبی با دیگر افراد جامعه، همچنین بافت سنتی حاکم بر این جامعه، که باعث تقویت گرایش درون‌گروهی شده است، باعث شده است امکانات و فرصت‌های لازم برای شناخت دیگر فرهنگ‌ها را نداشته باشد. احتمالاً همین امر به رد ارتباط معناداری بین بعد شناختی هوش فرهنگی و مدارای اجتماعی منجر شده است.

در ارتباط با رابطهٔ بین بعد انگیزشی هوش فرهنگی و مدارای اجتماعی، بین بعد انگیزشی هوش فرهنگی و مدارای اجتماعی رابطهٔ معناداری وجود دارد. این یافته با نتایج به

مقدار ضریب تعیین تعدیل‌شدهٔ (R^2 adjusted) این مدل نیز برابر با ۰,۲۵۷ برآورد شده است که نشان‌دهندهٔ این مطلب است که ۲۵,۷ درصد تغییرات واریانس مدارای اجتماعی ناشی از هوش فرهنگی افراد است. با توجه به شاخص‌های ذکرشده نتیجه می‌گیریم فرضیهٔ سوم این تحقیق تأیید می‌شود.

بحث و نتیجه

در جهان در هم تنیدهٔ امروز، سطح برخورد فرهنگی و تضارب افکار با وجود تفاوت‌های فرهنگی، به سطح بسیار بالایی رسیده است، تنوع افکار و فرهنگ‌ها و در هم تنیدگی فزاینده به‌طوری که جوامع مختلف با آداب و رسوم متفاوت، هم در فضای مجازی و هم در فضای فیزیکی به‌طور گسترده با هم در ارتباط‌اند، باعث شده است تا بحث مدارای اجتماعی، یک موضوع بسیار مهم باشد و اندیشمندان علوم اجتماعی به آن توجه کنند؛ بنابراین این پژوهش تأثیر هوش فرهنگی را بر مدارای اجتماعی بررسی می‌کند. در همین راستا ارتباط میان چهار بعد هوش فرهنگی (شناختی، فراشناختی، انگیزشی و رفتاری) با ابعاد مدارای اجتماعی شامل (مدارای جنسیتی) مدارا نسبت به زنان مدارای جنسی، مدارای قومی (مدارا نسبت به اقوام)، مدارای سیاسی، مدارا نسبت به مهاجران، مدارای دینی و مدارا نسبت به جرم و مجرمان در قالب الگوی پژوهش بررسی شده است.

این تحقیق نشان داد میانگین هوش فرهنگی قوم بلوچ به‌طور کلی بالاتر از سطح متوسط طیف است، در حالی که این میانگین برای مدارای اجتماعی سطحی پایین‌تر از حد متوسط را نشان می‌دهد. در تحقیقی که بهشتی و همکاران در سال ۱۳۹۸ در بین قوم لر انجام داده‌اند میانگین هر دو متغیر پایین‌تر از حد متوسط دیده شده است. همچنین نکتهٔ درخور توجه این است که دربارهٔ این دو متغیر هیچ تفاوتی بین زنان و مردان وجود ندارد.

در بررسی فرضیه‌های پژوهش، رابطهٔ میان هوش فرهنگی فراشناختی تأیید شده است. بنابراین دانش و

به‌طور کلی نتایج نشان داد هوش فرهنگی بالا باعث مدارای اجتماعی نسبت به اقوام، مهاجران، جرم و مجرمان و مدارای سیاسی و دینی می‌شود. نتایج این تحقیق با نظریات مطرح‌شده و یلکینسون (1996)، وگت (2002)، پرپوتنسکا و همکاران (2022) و همچنین تحقیقات بهشتی و همکاران (۱۳۹۸)، قادرزاده و نصرالهی (۱۳۹۸) همخوانی دارد.

نتیجه کلی این است که علاوه بر هوش فرهنگی، متغیرهای مؤثر دیگری هم بر مدارای اجتماعی اثرگذارند و لازم است مطالعه شوند، ولی با استناد به یافته‌های این تحقیق درباره اثر بالای هوش فرهنگی و ابعاد آن در تبیین مدارای اجتماعی، باید به این نکته توجه داشت که با افزایش سطح هوش فرهنگی، بسیاری از آسیب‌ها و مسائل اجتماعی را تا حد زیادی کاهش داد که در نبود تفاهم و تحمل‌نکردن تفاوت‌های بین افراد ریشه دارد؛ از این رو پیشنهاد می‌شود برنامه‌ریزان و سیاست‌گذاران با ارائه راهکارهایی در این زمینه گام بردارند که تفاوت‌های فرهنگی را به مردم یادآور می‌شود؛ برای مثال با استفاده از ظرفیت‌های گردشگری و یا نمایش فیلم‌هایی با بن‌مایه فرهنگی و نیز ساخت برنامه‌های متنوع تلویزیونی درباره ویژگی‌های اقوام و ملل مختلف در این راستا گام برداشت.

منابع فارسی

- اصانلو، ب. و خدای، س. (۱۳۹۲). بررسی اثر هوش فرهنگی بر شوک فرهنگی، سازگاری میان فرهنگی و عملکرد. *مطالعات توسعه اجتماعی- فرهنگی*، ۲(۴)، ۷۵-۹۶.
- افرا، ع. (۱۴۰۰). مدارای اجتماعی در جامعه فردگرا: مطالعه تأثیر فردگرایی بر مدارای اجتماعی جوانان در شهر بجنورد. *تحقیقات فرهنگی ایران*، ۱۵(۱)، ۴۳-۶۸.
- <https://doi.org/10.22035/jicr.2022.2832.3202>
- بنی اسدی، م.؛ قدیمی، ب.؛ خبیری، ک.؛ علیپور درویش، ز. و حجت، ش. (۱۴۰۰). شناسایی و تدوین مدل ترکیبی عوامل اجتماعی مؤثر بر مدارای اجتماعی تماشاگران لیگ برتر فوتبال ایران. *تغییرات اجتماعی فرهنگی*، ۱۸(۷۱)، ۱-۲۱.

دست آمده از تحقیق بهشتی و همکاران (۱۳۹۸) همخوان است. توانایی فرد برای هدایت انرژی و توجه به یادگیری، انطباق با عملکرد در یک موقعیت یا محیط فرهنگی متنوع باعث شده است که مدارای اجتماعی نسبت به دیگر فرهنگ‌ها بیشتر شود. با توجه به اینکه منطقه بلوچستان در چند سال اخیر به سبب وجود و گسترش بندر اقیانوسی چابهار و همچنین جاذبه‌های گردشگری فراوان در این منطقه باعث شده است که ورود گردشگر از دیگر مناطق فراوان شود که این خود باعث انگیزه تعامل با دیگر فرهنگ‌ها در مردم بلوچستان شده است. گرچه هنوز شناخت کافی از آداب و رسوم و ویژگی‌های فرهنگ‌های مختلف در این منطقه وجود ندارد، انگیزه تعامل و شناخت فرهنگ‌های مختلف رو به فزونی است که این خود باعث تقویت مدارای اجتماعی در این منطقه شده است.

درنهایت رابطه بین هوش فرهنگی- رفتاری و مدارای اجتماعی به‌عنوان فرضیه آخر بررسی شد. نتیجه آزمون حاکی از این است که بین هوش فرهنگی-شناختی و مدارای اجتماعی، رابطه معناداری وجود دارد. هوش فرهنگی مبتنی بر رفتار، به حوزه عمل اشاره دارد و قابلیت‌های کلامی و غیرکلامی را در بر می‌گیرد. نتایج حاکی از این است که قابلیت‌های کلامی و غیرکلامی، باعث مدارای اجتماعی نسبت به افراد غیربومی با تفاوت‌های فرهنگی مختلف شده است. این یافته با یافته بهشتی و همکاران (۱۳۹۸) کاملاً هماهنگ است.

نکته درخور توجه از یافته‌های این تحقیق، این است که براساس نظریه نگرش‌ها، جامعه بررسی شده هم در راستای افزایش هوش فرهنگی- رفتاری عمل می‌کنند، انگیزه‌های کافی برای شناخت دیگر فرهنگ‌ها را دارند و هم اینکه در شناخت دیگر فرهنگ‌ها انعطاف لازم را دارند؛ اما محدودیت تعاملات با دیگر فرهنگ‌ها عملاً امکان شناخت ویژگی‌های فرهنگی دیگر فرهنگ‌ها را از آنان سلب کرده است و با توجه به روند موجود که نشان از افزایش تعاملات دارد، می‌توان امیدوار بود که این نقیصه هم جبران شود.

- Ang, S., Dyne, L.v., & Koh, Ch. (2006). Personality correlates of the fourfactor model of cultural intelligence. *Group & Organization Management*, 31(1), 100- 23.
- ANg, S., Yee Ng, K., & Van, D. (2019). From experience to experiential learning: cultural intelligence as a learning capability for global leader development. *Academy of Management Learning & Education*, 8(4), 511-26.
- Asanloo, B., & Khodami, S. (2014). Considering effects of cultural intelligence on culture shock: Cross-cultural adaptation and performance. *Journal of Socio-Cultural Development Studies*, 2(4), 75-96. [In Persian].
- Bandura, A. (1997). *Self-efficacy: The exercise of control*. Freeman. ISBN 978-0-7167-2626-5 (see article).
- Caputoa, A., Ayokob, O., Iuremi, B., Charlott, M., Nii Amoo, N., & Menke, CH.c. (2019). The relationship between cultural values, cultural intelligence and negotiation styles. *Journal of Business Research*, 99, 23-36.
- Bani Asadi, M., Old, B., Khabiri, K., Alipour Darvish, Z., & Hojjat, Sh. (2021). Identification and development of a combined model of effective social factors on the social attitude of the spectators of the Iranian premier football league. *Socio-Cultural Changes*, 18(71), 1-21. [In Persian]
- Beheshti S., & Rostgar, Y. (2011). Sociological explanation of social tolerance and its dimensions among Iranian ethnic groups. *Social Issues of Iran*, 2, 7-35. [In Persian]
- Beheshti, S., Alizadeh Arend, M., & Kanani, Z. (2018). Sociological explanation of the relationship between cultural intelligence and social tolerance among the citizens of Yasouj city. *Iran's Strategic Research on Social Issues*, 8 (2), 87-106. [In Persian]
- Dennis, Y. (2007). *Toleration on faith: locke, and the origins of politicaltoleration*. Dissertation, Department of political science, Duke University.
- Earley, P. C., & Ang, S. (2003). *Cultural intelligence: individual interactions across cultures*. Stanford Business Book.
- Ghadirzadeh, A., & Nasralhi, Y. (2021). Social tolerance in multicultural societies: a survey study of ethnic groups in the city of Miandoab. *Journal of Social Sciences, Faculty of Literature and Humanities, Ferdowsi University of Mashhad*, 16(1), 89-133. [In Persian]
- Hasanloo, S. (2021). A single beheaded palm of Darak. *Isna News*. Available at: [/https://www.isna.ir/news/1400122621104](https://www.isna.ir/news/1400122621104) [In Persian].
- Kont, O. (1995). *Osnovnye zakony sotsialnoy dinamiki ili obshchaya teoriya progressa chelovechestva* [Basic laws of social dynamics or the general
- بهشتی، ص. و رستگار، ی. (۱۳۹۱). تبیین جامعه‌شناختی مدارای اجتماعی و ابعاد آن در بین اقوام ایرانی. *مسائل اجتماعی ایران*، ۴(۲)، ۳۵-۷.
- بهشتی، ص.؛ علیزاده‌آرند، م. و کنعانی، ز. (۱۳۹۸). تبیین جامعه‌شناختی رابطه هوش فرهنگی و مدارای اجتماعی بین شهروندان شهر یاسوج. *پژوهش‌های راهبردی مسائل اجتماعی ایران*، ۸(۲)، ۱۰۶-۸۷.
- حسنلو، س. (۱۴۰۰). تک‌نخل سربریده درک، سایت ایسنا، کد خبر ۱۴۰۰۱۲۲۶۲۱۱۰۴
- [/https://www.isna.ir/news/1400122621104](https://www.isna.ir/news/1400122621104)
- زندى دره‌غریبی، ا.؛ بهیان، ش. و اسماعیلی، ر. (۱۴۰۰). بررسی عوامل اجتماعی مؤثر بر مدارای اجتماعی (مورد مطالعه: گروه‌های قومی ساکن اهواز). *توسعه اجتماعی*، ۱۵(۴)، ۲۵۰-۲۱۵.
- قادرزاده، ا. و نصرالهی، ی. (۱۳۹۸). مدارای اجتماعی در جوامع چند فرهنگی: مطالعه پیمایشی اقوام شهر میاندوآب. *مجله علوم اجتماعی دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه فردوسی مشهد*، ۱۶(۱)، ۱۳۳-۸۹
- <https://doi.org/10.22067/jss.v16i1.69008>
- مقتدایی، ف. (۱۳۸۹). بررسی و سنجش میزان مدارای اجتماعی و عوامل اجتماعی و فرهنگی مؤثر بر آن (مورد مطالعه: جامعه شهری اهواز). *پایان‌نامه کارشناسی ارشد جامعه‌شناسی، دانشگاه چمران اهواز*.
- نیازی، م.؛ آقابزرگی‌زاده، ش. و گودرزی، ا. (۱۴۰۰). فراتحلیل مطالعات رابطه سرمایه اجتماعی و مدارای اجتماعی در ایران در سال‌های ۱۳۸۸-۱۳۹۸. *علوم اجتماعی دانشگاه فردوسی مشهد*، ۱۸(۲)، ۲۶-۱.

References

- Afra, A. (2021). Social tolerance in an individualistic society: Studying the impact of individualism on the social tolerance of young people in Bojnord city. *Iranian Cultural Research Quarterly*, 15(1), 43-68. [In Persian].
- Agius, E., & Ambrosewicz-Jacobs, J. (2003). *Towards a culture of tolerance and peace*. International Bureau for Children's Rights.

- from
<http://library.khpg.org/files/docs/1417188107.doc>
- PeterLorenz, M., Committee chair, G.F., Richey, R.G., Clampit, J.A., Allaway, A., & Halbsleben, J. (2016). *Three essays on cultural intelligence, innovation, and institutional distancedistance*. Doctor of Philosophy in the Department of Marketing in the Graduate School of The University of Alabama.
- Prepotenska, M., Ovslankina, L., Smyrnova, T., Rasskazova, O., Cherednyk, L., & Doichyk, M. (2022). Tolerance as a communicative and socio-cultural strategy of social agreements. *Postmodern Openings*, 13(1), 291-312.
- Ryan, R. M., & Deci, E. L. (2000). Self-determination theory and the facilitation of intrinsic motivation, social development, and well -being. *American Psychologist*, 55(1), 68 -78.
- Shynkaruk, V.I. (1994). Vira, nadiia, liubov [Faith, hope, love]. *Viche*, 3, 144-150.
- Stepanova, N. G. (2008). *Mezhjetnicheskaja tolerantnost' v sovremennom rossijskom obshchestve (social/no-philosophskij analysis)*. [Autoreferat dissertacii na soiskanie uchenoj stepni candida filosofskih nauk, Barnaul].
- Sternberg, R.J. (2000). *Handbook of intelligence*. Cambridge University Press.
- Vogt, P. (2002). *Social tolerance and education, review of education, pedagogy and cultural studies*. Sage.
- Wang, C., Shakespeare-Finch, J., Dunne, M. P., Hou, X., & Khawaja, N. G. (2021). How much can our universities do in the development of cultural intelligence? *A Cross-Sectional Study Among Health Care Students, Nurse Education Today*, 103, 104956, 1-6. doi: 10.1016/j.nedt.2021.104956
- Wilkinson, R. G. (1996). *Unhealthy societies: The affliction of inequality*. Routledge.
- Zandi Dareh Gharib, A., Bahyan Bahyan, Sh., & Ismaili, R. (1400). Investigating social factors affecting social tolerance (Case study: Ethnic groups living in Ahvaz), *Scientific-Research Quarterly of Social Development*, 15(4), 215-250. [In Persian]
- theory of human progress*]. *Filosofiya istorii: Antologiya [Philosophy of History: Anthology]*. Aspekt-Press.
https://www.gumer.info/bibliotek_Buks/Sociolog/zombart/01.php.
- Kuzansky, M. (2006). *O mire very [About the world of faith]*. Selected works. Kanon+. https://platona.net/load/knigi_po_filosofii/istorija_v_ozrozhdenie/kuzans_kij_sochinenija_t_2/9-1-0-1031.
- Locke, J. (1988). *Opyt veroterpimosti. Sochineniya [The experience of religious tolerance. Essays]*. Mysl.
<http://filosof.historic.ru/books/item/f00/s00/z0000461/index.shtml>.
- Mayer, J. D., & Salovey, P. (1993). The intelligence of emotional intelligence. *Intelligence*, 17, 433-442.
- Mutz, D. (2002). Cross-cutting social networks: testing democratic theory in practice. *American Political Science Review*, 96 (1), 111-126.
- Moqtadaei, F. (2008). *Investigating and measuring the level of social tolerance and the social and cultural factors affecting it (Study case: Ahvaz urban society)*, Master's thesis in Sociology, Chamran University of Ahvaz. [In Persian]
- Niazi, M., Aghabozurizadeh, Sh., & Guderzi, A. (2021). Meta-analysis of studies on the relationship between social capital and social tolerance in Iran in 1388-1398. *Ferdowsi University of Mashhad Social Sciences*, 18(2), 1-26. [In Persian]
- Nooria, Y., Erik, L., Ilan, A., & Nicole Franziska, R. (2020). Cultural intelligence, global mindset, and cross-cultural competencies: A systematic review using bibliometric methods. *European Journal of International Management*, 14(2), 210-250.
- Ochildiyev, A. (2007). *Tolerance is a factor of stability and development*. Tashkent Islamic University.
- Omelaenko, N. (2018). Tolerance: Scientific and theoretical discussions. *International Conference on Research Paradigms Transformation in Social Sciences: European Proceedings of Social and Behavioural Sciences*, 35, 1027- 1032. <https://doi:10.15405/epsbs.2018.02.120>.
- Popper, K. (1992). *Otkrytoe obshchestvo i ego vragi (Open Society and Its Enemies)*. Feniks. Retrieved

